

سلسله نشست های اشارات

جلسه اول

دوشنبه ۱۳۸۸/۷/۲۰

جنس دیگر:

۲۱ رمضان ۸۸، نماز جمعه، خطبه دوم:

مقام معظم رهبری:

در روند حرکت انقلاب کسانی که با هم بودیم در مسیر حرکت انشعابات پییش آمد. گاهی بعضی انشعابات بر اثر:

۱- شیوه اجرائی

۲- منافع

۳- اختلافات مبنایی

نوع سوم از جنس دیگری بود. بعد آقا اشاره کردند به جبهه ملی و نهضت آزادی و ... که امام با آنها برخورد کردند حتی بالاتر از رئیس جمهور ← با افرادی مثل آقای شریعتمداری و آقای منتظری.

کار به اینجا هم رسید.

امام در نامه‌ای خطاب به آقای منتظری می‌نویسند:

-دیگر شما را عادل هم نمی‌دانم-

چرا؟

دو جریان سیاسی در کشور شکل گرفته:

آیا در هر دو جریان
۱- روحانیت هست یا نه
۲- مرجعیت وجود دارد یا نه
۳- سابقه قبل از انقلاب دارند

یا نه

پس چرا اینهمه اختلاف.

پاسخ:

نگاهی گذرا به تاریخ:

از سال ۴۲ ← ۴ مقطع داریم
۱- از سال ۴۲ تا ۵۷
۲- از سال ۵۷ تا ۶۰
۳- از سال ۶۰ تا ۶۸
۴- از سال ۶۸ تا حالا
تا الآن

مقاطع:

از ۴۲ تا ۵۷ ← قبل از انقلاب ← عدم اختلاف
از ۵۷ تا ۶۰ ← بعد از انقلاب ← عدم اختلاف
از ۶۰ تا ۶۸ ← ورود اختلافات جزئی
از ۶۸ تا حالا ← ورود اختلافات اصولی.

توضیح: چگونگی ورود اختلافات جزئی

در این دوره مقام معظم رهبری سمت رئیس‌جمهوری دارند و در ۴ سال اول (۶۰ تا ۶۴) با آقای موسوی به عنوان نخست‌وزیر کار کردند ولی بعد از پایان ۴ سال توسط آقای ناطق نوری نامه‌ای، خدمت امام (ره) فرستادند مبنی بر اینکه «بنده دیگر حاضر نیستم ایشان (آقای موسوی) را به این منصب معرفی کنم ولی اگر شما امر کنید من امر شما را شرعی می‌دانم.

امام (ره) ← مشورت با فرماندهان جنگ ←

مصلحت بر نخست‌وزیری آقای موسوی

امام (ره) ← فرستادن نامه‌ای به مجلس ←

براساس مصلحت، شما هم به آقای موسوی رأی دهید.

نطفه اختلاف منعقد می‌شود:

اختلاف بر سر آقای موسوی نه ← بلکه بر سر نوع نامه

مولایی ← اعتقاد چپی‌ها

نامه از کدام نوع بود

ارشادی ← اعتقاد راستی‌ها

جالب اینجاست که چپی‌ها، طرفداران حکم ارشادی

را مرتد می‌دانستند.

خبر:

بالاخره آقای موسوی رأی می آورد.

دعوا هم چنان سر نامه بود تا کشید سال ۶۷.

در فروردین ماه آقان، کروبسی، دعایی و جلالی خمینی خدمت امام رسیدند و بیان کردند: دیگر ما نمی توانیم با هم کار کنیم:

امام (ره) ← اجازه ضمنی دادند.

روح خدا به خدا پیوست.

سال ۶۸ ← رحلت امام(ره) و ایجاد یک تغییر ایدئولوژیک در کشور.

دو جریان اصلاح طلب و اصول گر ریشه های خود را محکم می کنند.

اصول گرایان ← معتقد به: مشروعیت از سمت خداوند مقبولیت از سمت مردم

اصلاح طلبان ← معتقد به ← مشروعیت و مقبولیت، هردو ← از سمت مردم است.

حرف دل:

آقای خاتمی که از سران جریان اصلاح طلبان است می گوید: در بیعت عقبه اولی و ثانی، بیعت رضوان

و بیعت مردم با حضرت علی(علیه السلام) و در تمام صحنه هایی که مردم بیعت کردند عمل آنها انشاء ولایت بود نه قبول ولایت، و در ادامه می - گوید حکومت حق مردم است. و این چنین استدلال می کند الناس مسلطون علی انفسهم ←

ولی ای کاش به این سخن هم توجه می شد:

إِنَّ الْحَكْمَ لِلَّهِ

پس از این سخنان برمی آید که اختلاف این دو جریان عقیدتی است که در صحنه سیاست بروز کرده است.

اصلاً جبهه اصلاح طلب دنبال ۲ کار است.

۱- حذف ولایت فقیه

۲- تغییر قانون اساسی در بخش ولایت فقیه

آیا حکومت حق الله است یا حق الناس؟

حق الله و خبرگان رهبری ← کشف ولایت می کنند نه انتخاب.

عاقبت به خیری

آقای منتظری در زمان قائم مقامی خود قائل به ولایت مطلقه است و حتی ایشان نماز جمعه را واجب عینی می داند. ولی الان از نظر خود

برگشته و قائل به نظارت هستند آن هم نظارت استطاعی نه نظارت استصوابی.

تجلی آقای منتظری: آقای محسن کدیور که در اصفهان سخنرانی می کند و می گوید در این دوره فقط جای تاج و عمامه عوض شد. و پوتین جای خود را به نعلین داده!

نکته: ما در زمان خود ائمه(علیهم السلام) هم ولی فقیه داریم افرادی مانند مالک اشتر و ...

آیا می دانید برای تشخیص مرجع تقلید چند نفر عادل لازم است؟

حالا برای تشخیص ولی فقیه چند نفر؟

۱۷ نفر و ۱۱ نفر: ختیار و ختیار

نقلی

درمورد ولی فقیه موارد عقلی را بررسی کنید. تاریخی

نکته: امام(ره) به هیچ کدام از موارد بالا اعتقاد ندارد بلکه می گویند یک امر بدیهی است (یعنی تصور آن موجب تصدیق آن است).

سلسله نشست های اشارات

جلسه دوم

دوشنبه ۱۳۸۸/۷/۲۷

در جلسه قبل گفته شد بین دو جریان سیاسی حاکم بر کشور اختلافات اصولی وجود دارد. آن اختلافات بر سر ولایت فقیه است.

این اختلافات بر ۳ محورند

- ۱- اصل ولایت فقیه
- ۲- اختیارات ولایت فقیه
- ۳- شخص ولی فقیه

ولایت را از ۳ منظور می شود بحث کرد

کتاب

قانون اساسی

قانون اساسی دارای ۱۷۷ اصل می باشد.

۱۷ اصل ← مربوط به ولایت فقیه (۱۰٪)

اصل ۲: نظام جمهوری بر پایه استوار

اصل قابل توجه

اصل ۱۷۷: اصل بازننگری

توضیح:

اصل ۲: ۶ پایه نظام (۵+۱)

- ۱- توحید
- ۲- نبوت
- ۳- معاد
- ۴- عدالت

۵- امامت مستمر (جایگاه ولی

فقیه)

۶- کرامت انسانی

اصل ۱۷۷: (آخرین اصل) ← اصل بازننگری قانون-

اساسی

در این اصل بیان شده تمام اصول قابل تغییرند به

جز ۴ اصل که شامل

- ۱- اسلامیت
- ۲- جمهوریت: انتخابات-دموکراسی
- ۳- مذهب رسمی کشور
- ۴- ولایت فقیه

قانون اساسی بازننگری می شود:

بازنگری قانون اساسی در تاریخ ۶۸/۲/۴ به

فرمان امام(ره) در نامه ای به رئیس جمهور وقت

در موارد

- ۱- ولایت فقیه
- ۲- شورای قضایی
- ۳- مجمع تشخیص

قبل از رفتن:

امام قبل از فوت خود سه کار مهم انجام دادند:

- ۱- عزل آقای منتظری، ۶۸/۱/۸
- ۲- پذیرش قطع نامه، سال ۶۸
- ۳- بازننگری قانون اساسی

بررسی سه اصل بازننگری شده:

اصل ۱۰۷: تبدیل انقلاب اسلامی ایران به انقلاب

جهانی اسلام

اصل ۱۰۹: در مورد شرایط رهبری یک کلمه تغییر

کرد.

۱- فقاهاست

۲- مدیریت

۳- عدالت، ایجاد تغییر

بیان تغییر ← رهبری باید از عدالت و تقوی لازم

برای رهبری امت اسلامی برخوردار باشد.

نکته: چرا نگفت رهبری باید ایرانی باشد؟

ایرانی بودن ملاک نیست ← این سخن دو معنا

دارد: ۱- درانتخاب فرد ← حد و مرز جغرافیایی

ندارد؛ ۲- در اعمال حکم ← حد و مرز

جغرافیایی ندارد (فتوای میرزای شیرازی)

اصل ۱۵۰: نگهبانی انقلاب باید جهانی دیده شود.

این نگهبانی ← سپاه پاسداران است که برای

نگهبانی از انقلاب و دست آوردهای آن پابرجا می ماند.

امام به یک مطلب پی برد:

راز شکست نهضت های قبل ← عدم نگهبان.

سپاه فعلی دارای ۵ نیرو

۱- نیروی زمینی

۲- نیروی هوایی

۳- نیروی دریایی

۴- بسیج

نکته: ما در رهبری جهانی ← نگاه زمینی

نداریم.

امام (ره) می‌فرماید: ما باید در فکر تشکیل حکومت جهانی باشیم و این شدنی است.

با اطمینان می‌گوییم ← قرن ۱۵ ← قرن اسلام است.

سؤال: با توجه به مطالب مورد بحث می‌توانید بگویید چرا بعد از ۳ سال تمام هجمه داخلی و خارجی به سمت ولایت فقیه متمرکز شده؟

راهنمایی: به کلمه جهانی دقت کنید

بررسی چند شبهه:

الف) عده‌ای می‌گویند با توجه به حوادث اخیر، رهبری در مدیریت ضعیف است (مثل امام توانایی ندارد)

پاسخ:

۱) در زمان امام (ره) فضای جنگ اجازه نمی‌داد

مسائل سیاسی در داخل کشور جان بگیرد.

۲) احزاب جرأت عرض اندام نداشتند.

۳) شرایط امام (ره) با رهبری متفاوت است. درست

مثل شرایط پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امام علی (علیه السلام)

در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) ← حکومت داری ←

راحت ← جنگ با کفار

در زمان امام علی (علیه السلام) ← درگیری ←

و جنگ

با خودی و مسلمانان است نه با کفار (وجود

منافق)

۴) آمار وسایل مخرب ← سرب به فلک

کشیده.

۱- در حال حاضر چه تعداد دیش ماهواره (که

مانند قارچ‌های سفید روی پشت‌بامها رشد کرده-

اند) داریم.

ج: حدود ۷ میلیون * ۳ نفر مخاطب =

۲۱ میلیون نفر

یعنی حدود ۲۱ نفر قربانی این قارچ‌های مضر

می‌شوند که مساوری است با تغییر فرهنگ

این افراد.

۲- آیا می‌دانید Internet چند درصد افراد ایران را

پوشش می‌دهد. ← حدود ۲۴ میلیون

۸۰٪ ← استفاده مضر؟

۲۰٪ ← استفاده علمی.

قشر خاکستری و سیاه

مشهد ما } حدود ۳ میلیون جمعیت

حدود ۱۰۰۰ مسجد

حدود ۱۰۰۰ نفر شرکت کننده در مسجد

جمع بالا می‌شود: حدود یک میلیون نفر (قشر سفید)

روزانه به مسجد می‌روند.

۲ میلیون جمعیت (قشر سیاه و خاکستری) به حال خود

واگذار شده اند، در نتیجه طعمه دشمنان می‌شوند.

داعیه داران انقلاب جهانی:

الف) آیا هنوز هم باید روی قشر سفید کار کرد؟

ب) بعضی‌ها هم اینطور اعتراض می‌کنند: اصلاً چرا باید

حکومت اسلامی داشته باشیم، ماها که اصلاً در جریان

رفراندوم نبودیم؟

این سؤال ۲ جواب دارد: ۱- نقضی، ۲- حلی.

ج نقضی: کدام کشور داعیه‌دار دموکرات دوباره رفراندوم

انجام داده که ما دومی باشیم.

ج حلی: در معیار کشور داری ملاک هر نظام مشارکت و

انتخاب مردم است. و ما در این زمینه بالاترین مشارکت را

داریم. هیچ کدام از مشارکت ما از ۵۰٪ پایین‌تر نیست. و

این یعنی قبول داشتن نظام و به همین دلیل رهبر معظم

انقلاب بیش از هر چیز تأکید بر مشارکت می‌کردند.

البته این را باید جدا کرد از اینکه مردم به فلان جریان رأی

نمی‌دهند. این عدم رأی به معنای عدم قبول نظام نیست. رأی

به هر جریان، رأی به اصل نظام است.

مشارکت نظام ← میزان مشروعیت نظام است.

سلسله نشست های اشارات

جلسه سوم

تاریخ ۱۳۸۸/۸/۴

قال علی (علیه السلام): اربعة من ادبار الدُّوَل تضييع الاصول التمسك بالفروع، تقديم الاراذل، تأخير الافاضل.

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

چهار چیز از نشانه های سقوط دولت هاست:

۱- ضایع کردن اصول

۲- تمسک جستن به فروع به جای اصول

۳- مقدم شدن افرادی که شایستگی ندارند به جای افراد شایسته.

۴- مؤخر نمودن فاضلان و دانشمندان.

حکم وجود چند دیدگاه

در جریانات سیاسی اشکالی ندارد که چندین دیدگاه وجود داشته باشد اصلاً جای حوزه و دانشگاه جای دعوای نظری است. اما در مقام عمل فقط به یک دیدگاه می توان عمل کرد. مثل اینکه در ساختن یک ساختمان چندین نظریه هست ولی فقط بر اساس یک کدام از آنها می توان ساختمان را بنا کرد.

شعار نه شعار

شعار مرگ بر ضد ولایت فقیه از اول انقلاب بوده و تغییر نکرده، اگر دشمن بتواند همین فصل الخطاب بودن (محوریت نظام) را بگیرد، نظام از هم می پاشد. روحانیت هنوز معنای ولایت فقیه را به درستی متوجه نشده به طوری که اگر کسی حرف از ولایت فقیه بزند بر او برچسب سیاسی بودن می زنند.

روحانیت وظیفه دارد جایگاه ولایت فقیه را تبیین کند مخصوصاً در نماز جمعه

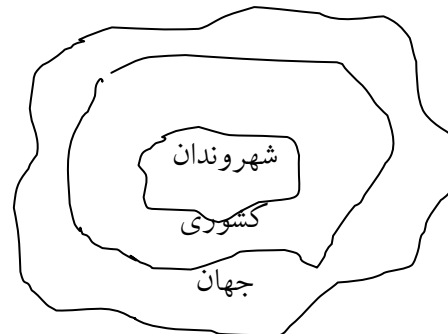
میثم مثل مسئولیت.

در جلسات گذشته در مورد شرایط رهبری (فقاها، عدالت، مدیریت)

و اختیارات رهبری صحبت کردیم.

و اما مسئولیت رهبری:

رهبر باید در سه سطح جوابگو باشد.



در زمینه شهروندی، نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر مصداق کامل این مورد است.

نکته: پس در زمان امام معصوم (علیه السلام) هم ولی فقیه بوده.

مسئولیت کشوری: رهبر باید سیاست های کلی نظام را تعیین کند و بعلاوه بر این سیاست ها نظارت داشته باشد مثل کاری که رهبر در مورد نام گذاری سالها یا مثلاً سیاست های راجع به ارتباط با آمریکا انجام می دهند.

مسئولیت جهانی ← ۲ وظیفه
۱- توسعه اسلام
۲- دفاع از اسلام

پایه مسئولیت های رهبری شرایط رهبری است.

یعنی بستگی دارد ما چه شرایطی برای رهبری قائل شویم.

اختیارات رهبری

در مورد اختیارات رهبری ۳ دیدگاه در بین بزرگان مطرح شده (البته همه ولی فقیه داشتن را قبول دارند ولی اختلاف در اختیارات رهبری دارند).

اختیارات
۱- ولایت محجورین: ولایتی در حد رئیس اداره بهزیستی
۲- ولایت مقیده فقیه: یعنی ولی فقیه

اختیارانش محدود و مقید به شریعت است.
۳- ولایت مطلقه فقیه: ولی فقیه می تواند فراتر از شریعت و قانون اساسی حکم کند.

توضیح:

ولایت مقیده فقیه: یعنی اگر بیان صریح شرعی در مورد مسئله‌ای وجود داشته باشد ولی فقیه نمی‌تواند در مقابل حکم شرعی حکمی داشته باشد ولی در جایی که حکمی نیست، ولی فقیه می‌تواند حکم دهد.

قائلین به این نظریه

- ۱- علامه طباطبایی
- ۲- آیه ... مرعشی نجفی
- ۳- آیه ... گلپایگانی

سؤال: اگر قائل به ولایت مقیده باشیم رهبر نمی‌تواند در این شرایط کشورداری کند چه برسد که ولایت بر جهان داشته باشد. با این توضیح آیا می‌توان این نوع اختیار را قبول کرد؟

- اما ولایت مطلقه فقیه ← می‌تواند فراتر از حکم شریعت حکم صادر کند (به شرط مصلحت اسلام و مسلمین) مثلاً در قرآن کریم داریم لا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ ولی در مورد کنترل اولاد در کشور ما مجمع تشخیص مصلحت نظام تصمیم می‌گیرد که قوانین مربوط به کنترل اولاد باید باشد چرا که در مواردی مصلحت

این است که از طرق غیر شرعی قوانین اساسی شکل گیرد.

یا در مورد قربانی کردن در حج ← اصل و حد ترجیح داده می‌شود.؟؟

نتیجه ← اگر معتقد به ولایت مطلقه فقیه نباشیم در مسائل حکومتی بسیاری از کارها به مشکل برمی‌خورد.

حکم ولی فقیه

- ۱- بر اثر اضطرار: حکم ثانویه
- ۲- براساس مصلحت: حکم اولی است و حتی اولی‌تر از اولیات مثل نماز و روزه

نامه تاریخی امام و مطرح شدن ولایت مطلقه فقیه.

سال ۶۶ ← نماز جمعه

مقام معظم رهبری به عنوان رئیس جمهور بودند و ایشان فرمودند: اختیارات ولی فقیه در چهارچوب شریعت است و این دیدگاه امام است. امام بعد از باخبر شدن از این موضوع، عصبانی شدند و فرمودند این دیدگاه را قبول ندارم و اختیارات ولی فقیه بالاتر از چهارچوب شریعت است. حکومت

از احکام اولیه است. بلکه از اولی‌ترین اولیات است. جناب آقای خامنه‌ای و رئیس جمهور محترم، حکومت از احکام اولیه و مقدم بر تمام احکام فرعیه، ... نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجدی را خراب کند و می‌تواند عقد و قراردادهایی را که بسته شده یک طرفه لغو کند.

بعد از این نامه شدیدالحن، آیه ... خامنه‌ای برای امام نامه‌ای نوشتند و فرمودند: بر مبنای فقهی حضرت عالی، که اینجانب سالها پیش آن را از شما آموخته و پذیرفته و براساس آن مشی کرده‌ام، موارد و احکام مرقومه در نامه حضرت عالی جزء مسلمات است و منظور از موارد مشروعه، مواردی است که مشروحاً بیان خواهد شد.

سلسله نشست های اشارات

جلسه چهارم

تاریخ: ۱۳۸۸/۸/۱۱

تاریخ نگار: ۱۳۸۷/۳/۱۴

سخنرانی قابل توجه مقام معظم رهبری:

این انقلاب نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است بلکه یک انقلاب همه جانبه است مثل اسلام - راه انقلاب راهی است که احتیاج دارد به عزم و ثبات قدم. بعضی این ثبات قدم را دارند و بعضی در بین راه برمی گردند.

در راه انقلاب اگر ثبات قدم وجود نداشت، اگر پیوستگی حرکت وجود نداشت، انسان رابطه اش با انقلاب قطع می شود این بی وفایی به انقلاب است.

همیشه بودند کسانی که به انقلاب بی وفایی کرده اند... وصیت امام این است که جوان ما نسل ما با چشم واقع بینانه نگاه کنند. اصل انقلاب است، نه اشخاص.

نکته بعدی این است که ما امام در وصیت نامه خود اعلام می کند این انقلاب گسترش خواهد یافت و دست استعمارگران را از جهان کوتاه خواهد کرد.

به نظر تو این سخنرانی شبیه چیه؟

۱- یه درد دل.

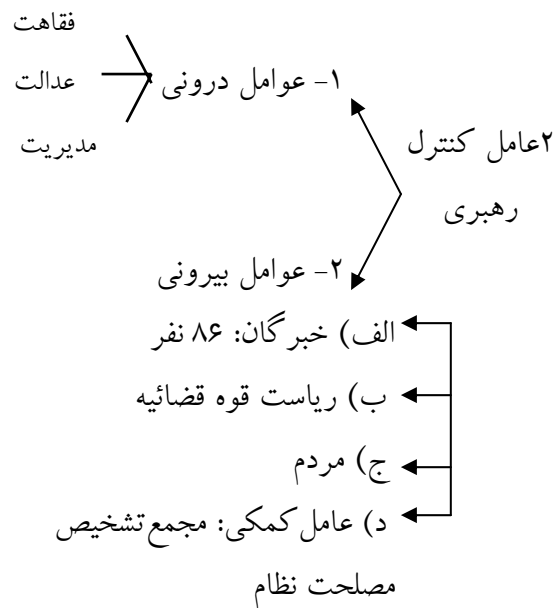
۲- زنگ خطر

۳- نظر شما

۴- ...

بررسی چند شبهه

۱- آیا اختیارات وسیع ولایت فقیه باعث دیکتاتوری نمی شود؟



۲- رهبری در جمهوری اسلامی ایران: مادام العمر

است و این خود عاملی برای رفتن به سمت استبداد و دیکتاتوری است.

پاسخ:

الف- رهبری: لحظه ای است.

ب- اگر زمان دار باشد: افق دید رهبری محدود می شود.

ج- مخالف قانون اساسی است.

نکته ← اگر رهبری را زمان دار کنیم مثلاً ۱۰ ساله (پیشنهادی که افرادی مثل آقایان حمید و مجید انصاری دارند) اگر قبل از ۱۰ سال شرایط را از دست داد یا بعد ۱۰ سال فرد بهتر از او پیدا نشد چه کنیم و اینجاست که مشکل ترجیح بلا مرجح و ترجیح فاضل برافضل پیش می آید.

شبهه ۳

رهبری، شورای نگهبان را تعیین و شورای نگهبان، خبرگان را و خبرگان رهبری را تعیین می کنند و اینجاست که مشکل دور پیش می آید.

پاسخ: در دور باید جهت همه قضایا یکی باشد در حالیکه اینجا یکی نیست.

رهبری شورای نگهبان را

شورای نگهبان خبرگان را

خبرگان، رهبری را

سؤال: رابطه اصل ۱۱۰ و ۵۷ قانون اساسی چیست؟

هر دو اصل اختیارات رهبری را گفته ولی

اصل ۱۱۰: بعضی از اختیارات را گفته (۱۱ مورد)

اصل ۵۷: مشخص نکرده

پس اصل ۱۱۰: کف اختیارات

و اصل ۵۷: سقف اختیارات.

سلسله نشست‌های اشارات

جلسه پنجم

تاریخ: ۱۳۸۸/۸/۱۸

بررسی اجمالی ابعاد مختلف زندگانی مقام

معظم رهبری: برگرفته از کتاب شمیم خاطرها
به فرمان همایون و خجسته رهبر عظیم الشان کشور
بزرگ جمهوری اسلامی ایرانجناب آیت ... معظم خامنه‌ای
کبیر متّعه ... الاسلام و مسلمین بطول بقائه الشریف. با
سلام و تحیت خالصانه و اراده ارادت بی‌پیرایه و درود و
نوید جاوید به حضور آن ولی فقیه مصداق بارز(نرفع درجات
من نشاء) تقدیم می‌گردد و عرض می‌شود یا ایّها العزیز ...
جنّنا ببضاعه مُرَجّه. ۱ دادار علم و آدم، همواره سالار و
سرورم را سالم و مسرور بدار. ۲
جدّ ایشان: آقا میر حسین موسوی از علمای تبریز .
پدر ایشان: سید جلال خامنه‌ای از علمای مشهد.
مادرشان: دختر حجه الاسلام سید هاشم نجف آبادی .
شوهر عمه ایشان: شیخ محمد خیابانی مبارز اهل مشروطه.

آمار جمعیتی:

۸ خواهر و برادر از ۲ مادر.
همسر اول: ۳ فرزند و هر ۳ دختر.
همسر دوم: ۴ برادر که من دومی بودم و ۱ خواهر.

– بچه که بودیم همه می‌نشستیم و مادرم قرآن می‌خواند.

به مناسبت آیه‌هایی که در مورد زندگی پیامبران بود، می‌گفت. من خودم اولین بار زندگی حضرت موسی(علیه السلام) را از مادرم شنیدم. مادرم خیلی حرف و خوش برخورد بود برخلاف پدر.

دوران کودکی

مصادف با ایام جنگ جهانی دوم و اشغال ایران از سوی متفقین و در کل دوران عسرت و سختی. یادم می‌آید که گاهی در منزل شام نداشتیم.

–منزل پدری: یک خانه کوچک ۷۰-۶۰ متری در محله فقیر نشین مشهد، فقط یک اتاق داشت و وقتی مهمان برای پدر می‌آمد همه به زیر زمین می‌رفتیم، اغلب مادر از لباس‌های کهنه پدر برایمان لباس تهیه می‌کرد که غالباً چند تا وصله هم داشت.

از ۴ سالگی آموزش قرآن را شروع کردم و در ۷ سالگی راهی دبستان شدم. در اواخر دبستان به ریاضی و جغرافی علاقه‌مند شدم و به تاریخ علاقه زیاد داشتم. قرآن با صدای بلند می‌خواندم و منبر آقای فلسفی را از رادیو می‌شنیدم و تقلید منبر او را از بچگی می‌کردم. و به والیبال هم خیلی علاقه داشتم.

من بعد از راهنمایی، دبیرستان گرفتم و دوره دبیرستان را به صورت دواطلبانه می‌خواندم(طلبگی را بعد از راهنمایی آغاز کردم)

تحصیل در حوزه علمیه

در ۱۸ سالگی همزمان با اخذ دیپلم موفق به گذراندن درس‌های سطوح در نزد پدر و دیگر اساتید حوزه علمیه

مشهد شدم. بعد از گذشت ۲ سال از درس خارج که در خدمت آیه ... میلانی بودم، در سال ۱۳۳۶ به نجف اشرف و بعد از ۲ سال به خاطر مخالفت پدر به مشهد آمده و در سال ۱۳۳۷ به قم رفته تا سال ۱۳۴۷ به مدت ۶ سال در قم و بعد به مشهد آمدم.

در قم در خدمت درس‌های امام(رحمه ... علیه) و مرتضی حائری و آیت ... بروجردی و علامه طباطبائی بودم و در فعالیت‌های سیاسی شرکت داشتم.

فعالیت‌های سیاسی

۱۵، ۱۶ سال داشتم که مرحوم نواب صفوی به مشهد آمد، خیلی جاذبه داشت و با اخلاص و شجاع بوده. به مبارزه سیاسی از زمان او علاقه‌مند شدم. بارها بازداشت شدم و یک مرتبه زندان و یک مرتبه تبعید شدم. منزل ما بارها ریختند و کاغذها و نوشته‌های مرا بردند و دیگر ندادند و یا وقتی دادند همه‌اش را ندادند.

رهبری انقلاب

من بعد از رحلت امام(رحمه ... علیه) در مجلس خبرگان بودم وقتی بحث کردند چه کسی را انتخاب کنند و اسم بنده حقیر به میان آمد، من مخالفت کردم، مخالفت جدی کردم، نه اینکه بخواهم تعارف کنم. خدا خودش می‌داند در دل من آن لحظات چه می‌گذشت. گفتم آقایان صبر کنید و شروع کردم به استدلال کردن، آقایان، مجتهدین و ... شروع کردند به استدلال‌های ما را جواب دادند. من قاطع بودم قبول نکنم ولی بعد دیدم چاره نیست. چرا چاره نبود، زیرا به گفته آنهایی که من به آنها اطمینان دارم، این منصب در من متعین شده بود و اگر کسی بود که این بار را بردارد من اصلاً بر نمی‌داشتم و بعد

۱ . سوره یوسف، آیه ۸۸

۲ سخن: آیه ۱ حسن زاده آملی در خورشید آمدگه بر هدایت

هم گفتم: پروردگارا: توکل بر تو، و خداوند هم تا امروز کمکم کرد.

شما آدم دارید

از آقای هاشمی رفسنجانی چنین نقل شده: در جلسه‌ای با حضور سران سه قوه، حرف ما با امام این بود که اگر عزل آقای منتظری (از قائم مقامی) اتفاق بیافتد ما بعداً با قانون اساسی مشکل داریم، زیرا ممکن است خلأ رهبری پیش بیاید. ایشان فرمودند: خلأ رهبری پیش نمی‌آید، شما آدم دارید، گفتم: چه کسی؟ ایشان فرمودند: این آقای خامنه‌ای، بعد از جلسه آقای خامنه‌ای به امام گفتند: از جناب عالی تقاضا دارم که این جمع بخواهید و تکلیف کنید تا این مطلب سری بماند، امام هم این کار را کردند.

خیلی سفر نرو

آقای رحیمیان (نماینده ولایت فقیه در بنیاد شهید) نقل می‌کند: حضرت امام (رحمه الله علیه)

در پیامی به رهبری می‌فرماید: هر موقع تو به سفر می‌روی من مضطرب هستم تا برگردی. خیلی سفر نرو. وقتی شنیدم هواپیمای شما در فرودگاه نشست، خیالم راحت شد.

حسین علی نمی‌بینم، سید علی می‌بینم!

یکبار در سال ۶۵ (هنوز بحث رهبری مطرح نیست و آقای منتظری قائم مقام است) که دوستان در خدمت آیت الله بهاء الدینی بودند صحبت از رهبری بعد از امام به میان آمد. ایشان فرمودند: البته هیچ کس حاج آقا روح الله نمی‌شود ولی آقای خامنه‌ای، از همه به امام نزدیک‌تر است که ما به او امید داریم. شما از ما قبول نمی‌کنید ولی این دید ماست و نزد ما محرز است و در جایی می‌فرمایند: من حسین علی نمی‌بینم و سید علی می‌بینم.

من سرباز رهبر انقلابم

سید حسن نصر الله، امسال رسانه‌های جهانی مرا به عنوان مرد سال نامیدند و کشورهای عربی نیز مرا به به عنوان موفق‌ترین رهبر جهان عرب معرفی کردند. امروز مناسب دیدم به همه بگویم (در حال بوسیدن دست مقام معظم رهبری) که من سرباز رهبر انقلابم.

آقای دکتر حجتی کرمانی

(جریان دوم خرداد) از حاج احمد آقا نقل می‌کنند: به خدا قسم اگر مقام معظم رهبری دستور بدهند، من سر فرزندانم را ببرم، من در اطاعت ایشان لحظه‌ای درنگ و کوتاهی نخواهم کرد.